

# «طالبان» کی بودند و چه کردند و چه می کنند؟؟؟

«رویداد ها و حوادث سیاسی و نظامی افغانستان»

(استاد صباح)



در ۱۰ اکتبر سال ۱۹۹۴ میلادی در اوج جنگ های داخلی افغانستان گروهی وارد منطقه سین بولدک ولایت قندهار در جنوب افغانستان شدند و نام خود را «تحریک اسلامی طلبای کرام» نهادند. حمایت های مکرر و القائنات پنهان عربستان سعودی از «طالبان» آنها را با برداشت انحرافی از شعار جهاد با شرک و کفر و اینکه هر کس کشته شود به بهشت خواهد رفت باعث شد این گروه خیلی زود بیرون زیادی از افغانستان و پاکستان پیدا کنند. «طالبان» پاکستان در سال ۲۰۰۷ میلادی با هدف استقرار حکومت اسلامی و جاری کردن قوانین شرع در پاکستان، وارد مبارزه مسلحانه شد. «طالبان» مناطقی را در جنوب افغانستان اشغال کردند. آنها یک ماه و دو روز پس از اعلام موجودیت، ولایت قندهار چهارمین ولایت مهم افغانستان را تصرف کردند. «طالبان» ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۶ کابل پایتخت افغانستان را تصرف کردند. آنان به محض ورود داکتر نجیب الله، رئیس جمهوری پیشین افغانستان و برادرش شاهپور احمدزی را کشتند و جنازه هایشان را در چهارراه آریانا در نزدیکی ارگ ریاست جمهوری افغانستان به نمایش گذاشتند. سپس به تدریج سه چهارم خاک افغانستان را تصرف کردند. «طالبان» سپس نام حکومت خود را امارت اسلامی گذاشتند و تشکیلات خود را از طریق رادیو اعلام نمودند. کشورهای پاکستان، امارات متحده عربی و عربستان سعودی تنها کشورهایی بودند که «طالبان» را به رسمیت شناختند.

یاد باد آن روزگاری که این دوران نبود

دور دور ناکسان و ناجوانمردان نبود

هر کجا می رفتی از پاکی نشان می یافتی

مردمان را لکه های ننگ بر دامان نبود  
این قدر نیرنگ باز و نانجیب و بد گهر  
وین همه گول و ذلیل و ابله و نادان نبود  
تا که خشمی شعله ور میشد جهان را می گذاخت  
بندیان خشمگین را بر جگر، دندان نبود  
هیچ دژ خیم از قساوت، بهره تا این حد نداشت  
بی گناهان را به دار آویختن آسان نبود  
زخمها را مرهمی بود و به شبها همدهی  
شام تنهایی، دراز و درد، بی درمان نبود  
هرکسی مردانه می آمد به میدان نبرد  
بر فراز نیزه های این و آن قرآن نبود  
مردم دیندار و با ایمان به خلوت می شدند  
با فریب دین و ایمان این همه دکان نبود  
اقتدا می کرد هر کس بر دل بیدار خویش  
مفتیان را مفت خواری تا بدین میزان نبود  
راستی را آشکارا می توانستند دید  
در پس هر پرده رد پای از شیطان نبود  
بود آبادان سراسر، سرزمین آریا  
هرطرف آشفتگی و وضع بی سامان نبود  
در میان مرز می جستند استقلال را  
مرزبندی بهر برپا کردن زندان نبود  
مردم افغان به پاکی شهره بودند و شرف  
این همه نامردمی در برخی از ایشان نبود  
مرد و زن را چشم و گوشه باز بود و دانشی  
خلق، همچون گلّه دنباله رو چوپان نبود  
امتیاز برتری را آدم ممتاز داشت  
هر کسی که می رسید از راه، او سلطان نبود

نام افغان لِرزه بر اندام دنیا می فکند  
دست و پای ما زهول اجنبی لِرزان نبود  
ای دل بسوز و با غم بی میهنی بساز  
کز بهر افتخار، تو را میهنی نماند.؟؟؟

در زمان موجودیت اتحاد شوروی و حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جنگ و گریز "مجاهدین"! آمریکا احساس کرد که برای تأمین سلطه در منطقه، باید استراتژی دراز مدتی را طرح ریزی کرد. انگلیس که پیوسته در مستعمرات خویش و هنوز که هنوز است برای خودش حق دخالت را از این مستعمرات سابق خود در امور دیگران محفوظ نگهداشته است؛ در کنار آمریکا برای اعاده نفوذ انگلوساکسونها در این منطقه دست ناخورده و پر نعمت دست بکار شد. کمکهای مالی و تسلیحاتی، امریکا، انگلیس، اسرائیل، جرمنی، فرانسه، کانادا، استرالیا، شیخ های عرب، چین. . . به "مجاهدین" افغان از طریق پاکستان (ژاندارم منطقه) قدم اول استراتژی آمریکا را تشکیل میداد. از همان اول واشنگتن میدانست که "مجاهدین" به علت قدرت پرستی و اختلافات دوامدار آنها عامل آید ال آمریکا برای اجرای نقش ها و نقشه های آینده نخواهند بود. از این رو بهره جویی از گروه خاص دست پرورده ای که نیازهای استراتژیک آمریکا را برآورده سازد، به عنوان یکی از اصول سیاسی دخالت واشنگتن در افغانستان مورد تا بید دستگاه های جاسوسی آن کشور قرار داشت، آنها معتقد بودند که باید عناصر جنگ جو از میان مردم کشورهای مختلف خاورمیانه ای انتخاب کرد که از نظر چهره و معتقدات مذهبی با یکدیگر و مردم افغانستان همگونی و همگرایی داشته باشند. افراد متذکره پس از آموزش در پاکستان و کسب تجربه در جنگهای داخلی علیه شوروی ها، میتوانند به عنوان نیروی جایگزین آمریکاییها در خاورمیانه و نقاط دیگر جهان فعال باشند، به عبارت دیگر جذب و سازماندهی افرادی که در ظاهر هویت و ملیت خاورمیانه ای داشته اما در باطن مزدوران سرویسهای جاسوسی اند. از سال ۱۹۸۳ به بعد مزدوران مذکور به وسیله کارشناسان آمریکا در پاکستان و افغانستان دایماً آموزش دیده اند که بیشتر شان از مهاجرین عرب و افغان مقیم غرب یا بصورت محصل یا سوداگر و پیشه ور بودند. اسامه بن لادن چهل و پنج ساله در هنگام موجودیت شوروی ها در افغانستان وارد پشاور شد و به خدمت گذاری آماده گردید.

ارقامی که اخیراً به وسیله (الشرق الا وسط) چاپ شد حاکیست که اسامه بن لادن در مراکز فعالیت خویش در پاکستان و افغانستان (۲۹۰۰) نفر نیروی جنگی داشت که شامل :

۵۹۴ نفر مصری، ۴۱۰ نفر اردنی، ۲۹۱ نفر یمنی، ۲۵۵ نفر عراقی، ۱۱۵ سودانی، ۱۶۵ نفر سوری، ۱۷۸ نفر الجزایری، ۶۵ نفر تونس، ۵۵ نفر مراکشی، ۳۵ فلسطینی و تعداد دیگری از اتباع کشور های امیر نشین خلیج فارس بوده اند. از آنجایی که در جریان جنگهای افغانستان مزدوران (سیا) بودند که نقش عمدای را در حوادث افغانستان بازی کردند، بنابر آن گروه مذکور بعد از کم رنگ شدن جنگ و "جهاد" و بیرون شدن شوروی ها از افغانستان با آمریکا در ظاهر اختلافات پیدا کردند. ولی این نقطه را نباید از یاد برد که مصارف لوژیستیکی امارت "طالبان" بعد از تصرف کابل روزانه بالغ بر ۱۹۵۰۰۰۰ دلار امریکایی تخمین میشد، در حالیکه به گفته مقامات امریکایی ثروت بن لادن در بانکهای جهانی مصادره گردیده است، پس این مصارف لوژیستیکی "طالبان" از چه منبع تمویل می گردید در صورتیکه پاکستان به تنهایی نمیتوانست این مصارف را بپردازد. از طرف دیگر مقامات امریکایی و رسانه های گروهی آن اسامه بن لادن را در انفجار های ریاض \_ طهران، در به گذاری ۱۹۹۳ مرکز تجارت مانهاتان و انهدام سفارت خانه های آمریکا در کنیا و تانزانیا، متهم میدانند، حمله راکتی آمریکا در سودان و افغانستان نیز ظاهراً به بهانه تادیب وی صورت گرفت. در حالیکه این اتهام مسخره بنظر میرسد.

امریکا در این دنیای بزرگ فقط و فقط با "القاعده" دشمنی دارد و باقی همه مردم دوستان او است. این اتهام بخاطر نقش بیشتر اسامه وارد میگردد تا وی را غرض مقاصد بعدی کشت شطرنج بدهد. از اینها گذشته، "طالبان" در کنار بن لادن مدعی بودند که اسلام با حکومت سلطنتی مخالف است. آنان میگفتند، که بن لادن قبل از انفجارهای ریاض و طهران به آمریکا اخطار داده بود که خاک سعودی را تخلیه کنند. بدین ترتیب موج تبلیغاتی امریکا با انتشار اخبار ضد و نقیض کوشیده است تا ماموریت اصلی بن لادن و "طالبان" را در پرده ای از ابهام فرو برده و جهانیان را از نقش واقعی واشنگتن در پرورش متعصبان فوق از دید ها پنهان سازد.

"طالبان" بعد از اعلام موجودیت از سوی ملا عبدالمنان نیازی سخنگوی رسمی خود در اواخر سال ۱۹۹۴ میلادی برگزاری امنیت و ثبات و جمع آوری سلاح از دست قبایل مختلف و توقف راهزنی ها و سرقت و غارت را هدف اصلی موجودیت خود اعلام کرد، اما مدتی بعد که بر تعدادی از ولایات افغانستان مسلط شده و محبوبیت نسبی در میان مردم پیدا کرد، اهداف و برنامه های خود را توسعه داده و خواستار برپایی دولت اسلامی شد. این را ملا عمر رهبر این جریان در فبروری سال ۱۹۹۶ مطرح کرد.

بر اساس اصلاحیه جدید برنامه های "طالبان" و اهداف آنان به شرح زیر است :

-برقراری دولت اسلامی به روش خلفای راشدین.

- اسلام دین همه ملت و دولت باشد.
  - قانون کشور برگرفته از شریعت اسلام باشد.
  - علما و افراد متعهد در پست های دولتی باشند.
  - ریشه تعصبات قومی و قبیله ای برکنده شود.
  - جان ما و آبروی اهل ذمه حفظ شود و مطابق شریعت اسلامی با آنها تعامل شود.
  - مناسبات با کشورها و سازمان های اسلامی افزایش یابد.
  - مناسبات سیاسی با دولت های اسلامی بر پایه موازین شرع تعریف شود.
  - بر حجاب زن تاکید شود.
  - هیئت های امر به معروف نهی از منکر [بنا بر الگوی وهابیت سعودی] در تمامی مناطق دولت ایجاد شود.
  - مبارزه با جرائم اخلاقی، مواد مخدر و فیلم ها و تصاویر غیر اخلاقی شدت گیرد.
  - دادگاه های شرعی مستقل شود.
  - یک روش اسلامی بر مدارس و دانشگاه ها مسلط شود.
  - اقتصاد کشور اسلامی شود.
  - از کشورهای اسلامی برای بازسازی افغانستان کمک گرفته شود.
  - زکات و اموال عمومی در پروژه های عام المنفعه هزینه شود.
- این مفاهیم، مفاهیم ناب اسلامی بود که در وهله اول چشم هر بیننده ای را به خود خیره می کند، اما عملکرد فرقه ی ”طالبان“ و دیدگاه های تنگ نظرانه آنها جایی برای اجرای واقعی این مفاهیم اصیل باقی نمی گذاشت. بویژه اینکه ریشه اصلی ”طالبان“ برگرفته از آموزه های وهابی بود که مبتنی بر اصل تکفیر غیر است. مردم افغانستان به علت خستگی از جنگ های داخلی، ”طالبان“ را ترجیح دادند، اما ”طالبان“ با دیدگاهی بسته و افکاری متفاوت با محیط و جهان برخورد کردند و به نوعی با بازگشت به نگرش های افراط گرایانه مذهبی و با زیر فشار قرار دادن مردم موجبات نارضایتی قشر کثیری از مردم افغانستان را فراهم ساختند. آنها نام حکومت افغانستان از جمهوری اسلامی به امارت اسلامی تبدیل نموده و رهبر خود ملا محمد عمر را به عنوان امیرالمؤمنین معرفی نمودند. آنها به زنان اجازه نمی دادند تا به تنهایی از خانه ها بیرون روند. مردم را به زور برای ادای نماز به مساجد می فرستادند. ریش مردان در نظام ”طالبان“ی باید بلند می بود و موهای سرشان را می بایست کوتاه می کردند. ”طالبان“ در مدت موجودیت خود جنایت های وحشتناکی را مرتکب شد است، یکی از مهم ترین این جنایت ها نسل کشی

مسلمانان شیعه منطقه هزاره بود. طبق گزارش‌های نهادهای بین‌المللی حقوق بشری، "طالبان" در دوره حاکمیت خود دست به کشتار هزاران تن از مردم شیعه هزاره زدند. قتل‌عام مردم هزاره در شهر مزار شریف در ماه آگوست سال ۱۹۹۸ روی داد و هزاران تن از مردم هزاره در طی چند روز کشته شدند. حلقه رهبری "طالبان" را کسانی تشکیل می‌دهند که تعدادی از آنان هیچ‌گاه دیده نشدند و با رسانه‌های صحبت نکردند و تصویری از آنان مشاهده نشده است. "طالبان" از سازماندهی قوی برخوردار نیست و ساختاری اداری واضح و لیست‌هایی برای تنظیم امور داخلی و برنامه‌های کاری خود ندارد، این جنبش حتی کارت‌های عضویت برای اعضای خود ندارد تا آنها را سازماندهی کند. این جنبش مدعی است که یک حزب نیست و به همین علت نمی‌خواهد به ساختارهای اداری حزبی پایبند باشد. با وجود شوراهای متعددی که در "طالبان" وجود دارد، اما تصمیمات این شوراها الزام آور نیست، تصمیمات اصلی را ملا عمر می‌گیرد و آزادی کامل در رد یا قبول تصمیمات شورای عالی دارد.

ساختار قدرت در "طالبان" بر اساس هرم زیر است: ملا محمد عمر رهبر اصلی "طالبان" است که اختیارات گسترده‌ای دارد. وی در سال ۱۹۹۴ یعنی از ابتدای شکل‌گیری "طالبان" به عنوان رهبر "طالبان" انتخاب شد و ۱۵۰۰ نفر از علمای افغانستان با وی بیعت کردند.

ملا عمر برای اداره امور خود در کابل برای مدتی موقت بعد از سقوط کابل به دست "طالبان" شورایی تاسیس کرد که تحت مدیریت مستقیم وی کار می‌کردند، این شورا شش نفره بود و ریاست آن را ملا محمد ربانی بر عهده داشت، بعد از مرگ وی ملا محمد حسن جانشین وی شد.

شورای مرکزی "طالبان" - تعداد اعضای این شورا مشخص نیست و اعضای مشخصی هم ندارد، اما در ابتدای تاسیس از هفتاد نفر آغاز شده است که ریاست آن را ملا محمد حسن رحمانی والی قندهار بر عهده داشت.

شورای عالی "طالبان" - تمام رهبران معروف "طالبان" عضو این شورا هستند، این شورا نیز اعضای مشخصی ندارد. محمد حسن رحمانی، نورالدین الترابی، إحسان الله إحسان، سید محمد حقانی، یار محمد و وکیل أحمد متوکل از جمله اعضای مشهور این شورا هستند.

شورای وزیران- این شورا از کارداران وزارتخانه‌ها تشکیل شده که جلسات هفتگی منظمی دارند، بیشتر اعضای این شورا جوانان هستند و تعداد اندکی از آنها بدون تغییر باقی می‌مانند. ملا عمر برای کاستن از هزینه‌ها تعداد زیادی از وزارتخانه‌ها را با هم ادغام کرده است.

دار الافتاء مرکزی - این مرکز شامل تعدادی از علمای وهابی برای فتوا دادن در امور شرعی است. مرکز اصلی آن در قندهار است و رئیس آن مولوی نور محمد ثاقب است. عبدالعلی الدیوبندی، شیر علی

شاه و نظام الدین شامزی از اعضای اصلی این مرکز هستند. ملا عمر اختیارات گسترده‌ای به والیان داده است، هر والی شورایی برای ولایت دارد که مسایل مرتبط به ولایات را در آن بررسی می‌کند. "طالبان" در مبارزات خارجی خود از تعدادی از فرماندهان نظامی بهره می‌گیرد که مهم‌ترین آن‌ها ملا عبیدالله وزیر دفاع و مولوی جلال الدین حقانی فرمانده معروف پکتیا و محمد نعیم کوچی از لوگر است. در مجموع افراد زیر حلقه رهبری "طالبان" را تشکیل می‌دادند.

• ملا محمد عمر رهبر

اعضای شورای داخلی

• ملا محمد ربانی

• ملا احسان الله

• ملا محمد

• ملا عباس

• ملا پاسانی

اعضای شورای مرکزی

• ملا محمد حسن

• ملا نورالدین

• ملا وکیل احمد

• ملا شیر محمد ملنگ

• ملا عبدالرحمن

• ملا عبدالحکیم

• سردار احمد

• حاجی محمد غوث

• معصوم افغانی.

"طالبان" به تدریج افراد زیر را در پست‌های زیر تعیین نمودند.

• رئیس شورای کابل: ملا حمد ربانی

• رهبر سیاسی لوگر: ملا محمد غوث

• مسئول سواره مناطق اشغالی: ملا احسان الله

• والی قندهار: ملا محمد حسن

- والی هرات: ملا یارمحمد
- والی پکتیا: ملا کرامت الله
- وزیر خارجه: ملا شیر محمد استانکزی
- رئیس بانک: ملا احسان الله احسان
- وزیر اطلاعات و فرهنگ: ملا امیر خان متقی
- رئیس امنیت ملی: ملا فاضل احمد
- وزیر مهاجرین: ملا عبد الرقیب.

”طالبان“ استفاده از لفظ دموکراسی را رد می کنند، چرا که معتقدند دموکراسی حق قانون گذاری را به انسان می دهد و جایی برای خدا قائل نیست. این گروه هیچ اهمیتی برای وضع قانون اساسی یا تنظیم امور دولت برای انسان قائل نیست و معتقد است قرآن و سنت دستورات دولت اسلامی هستند. ملا عمر خلیفه و امیرالمومنین ”طالبان“ از سوی اهل حل و عقد انتخاب می شود و مدت زمان مشخصی برای تصدی این منصب ندارد. ”طالبان“ اهمیت زیادی به ظواهر دین می دهد و هیئت امر به معروف و نهی از منکر بازوی اجرایی ”طالبان“ مطابق الگوی وهابیت سعودی برای اعمال برداشت های سفت و سخت این جریان از دین تاسیس شده است. ”طالبان“ اجازه تشکیل احزاب سیاسی جدید را ندارند و احزاب موجود را نیز نمی پذیرند. ”طالبان“ این اقدامات را فرقه گرایی و قبیلگی می داند و معتقد است که این اقدامات از تعصبات جاهلی است و مشکلات گوناگون و دشمنی و تفرقه در جامعه ایجاد می کند. ”طالبان“ از سنت های دئوبندی که با سنت های پشتون در آمیخته اند متاثر است. دئوبندیسم نگرشی اساسا فرهنگی بود که در پاسخ به رشد سکولاریزم، گسترش نگرش صوفیانه، تاثیر رو به افزایش هندویسم بر مسلمانان، و نیز شکست جنبش های اسلامی در مقابله با اشغالگری انگلیس در سالهای هجده پنجاه در هند رشد کرد. دئوبندی ها شبکه گسترده ای از مدارس دینی در تمام شبه قاره هند دارند، بالغ بر بیست هزار مدرسه دینی دئوبندی تنها در پاکستان وجود دارد.

ایدئولوژی سیاسی داعش سلفیت است. سلفیت بطور کلی یک نگرش سنی است ولی جزء هیچ کدام از مذاهب چهار گانه سنی یعنی حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی نیست. سلفی ها خود را غیرمقلد می دانند و معتقدند که برای درک درست از اسلام باید مستقیما به قرآن و حدیث مراجعه کرد. این نحوه دید به شدت نخبه گرایانه است و نسبت به فرق مذهبی دیگر اسلام دید تحقیرآمیزی دارد. این خودبینی آنها را از داشتن پایگاه اجتماعی نیرومند در جامعه باز می دارد.



از نظر استراتژی سیاسی گرچه "طالبان" به دنبال تشکیل دولت اسلامی است، اما دید روشن و مدونی درباره نوع دولتی که می خواهد در جهان مدرن ایجاد کند، ندارد. "طالبان" از این جهت که سیاسی اند با نیروهای اسلامی سنتی و یا بنیادگرا متفاوتند و از این جهت که درک روشنی از دولت ندارند از اسلام گرایان متفاوتند. از همین جهت توانائی آنها در اداره کشور بویژه در زمینه های اقتصادی بسیار محدود است.

### عوامل داخلی و خارجی توسعه "طالبان"

**عوامل داخلی- جنگ داخلی:** جنگ داخلی بین گروه های مختلف افغان برای دستیابی به قدرت یکی از عوامل اصلی ایجاد "طالبان" بود، این جنگ در طول سالها بیش از صد هزار کشته بر جای گذاشت و خسارت های مالی زیادی را نیز به این کشور وارد کرد. به همین علت بخش های زیادی از مردم افغان، "طالبان" را به عنوان جنبش نجات بخش خود می دانستند و فکر می کردند این جریان افغانستان را از مصیبت های جنگ نجات می دهد و امنیت و ثبات داخلی را در آن ایجاد خواهد کرد.

**هرج و مرج و ناامنی:** بروز هرج و مرج در افغانستان بعد از عقب نشینی نیروهای اتحاد جماهیر شوروی سابق از این کشور باعث شد افغانستان بین فرقه های مختلف درگیر تجزیه شود، به این ترتیب وحدت کشور دچار تهدید شد و اهالی نیز برای این که وحدت کشور را حفظ کرده و افغانستان را از این حالت خارج کنند، فکر کردند که "طالبان" می تواند نمونه خوبی برای اتحاد و قرار گرفتن زیر یک پرچم قوی باشد.

در زمان جنگ عده ی از جنگجویان با دستیابی به معادن مختلف و سنگ های قیمتی در کشور و تسلیحات و انبار مهمات و . . . به ثروت انبوهی دست پیدا کردند. آنها به تدریج به ثروتمندان عمده ای تبدیل شدند که در میان فقیرترین ملت های دنیا زندگی می کردند، فقر و عقده ناشی از اختلافات طبقاتی در میان مردم تنگدست افغانستان و سوء استفاده از برخی مفاهیم اسلامی نظیر عدالت و مساوات از سوی "طالبان" از جمله انگیزه های مردم برای گرایش به سمت "طالبان" بود.

**عوامل خارجی - پاکستان:** پاکستان همواره به دنبال نفوذ در همسایه شمالی خود و تسهیل تبادل تجارتي با جمهوری های آسیای میانه بود، اما با دولت های ربانی و مسعود نمی توانست کنار بیاید، چرا که آنها وی را به همکاری با هند متهم می کردند و روابط خصمانه ای با آنها داشتند. این کشور برای براندازی دولت های کوچک افغانستان از همکاری حکمتیار و ربانی نیز بهره برد. به همین علت به اذعان بسیاری از ناظران سیاسی سرویس های اطلاعاتی پاکستان حمایت از "طالبان" را کلید نفوذ در افغانستان دانستند.

**آمریکا:** منافع آمریکا در برهه‌ی از زمان کاملاً با منافع "طالبان" تطابق داشت، به همین علت بود که در ابتدا از بروز آن جلوگیری نکرد و بعدها نیز به حمایت گسترده از این جنبش و سرپوش گذاشتن بر جنایات آن پرداخت. آمریکا "طالبان" را زیر بال و پر خود قرار داد تا بتواند از آن به عنوان اهرم فشاری برای اجرای سیاست‌های خود در ژئوپلتیک خاص منطقه استفاده کند. جلوگیری از حضور منطقه‌ی ایران، اهرم فشار بر روسیه و چین و هند و ایجاد هرج و مرج خلاق در آسیانه میانه بر اساس طرح‌های مداخله جویانه از جمله انگیزه‌های آمریکا در حمایت از "طالبان" بود.

در دولت کلینتون، مباحثات زیادی در مورد افغانستان انجام شد که در نهایت، دو راه حل مطرح شد: **راه حل اول** که از سوی کارل ایندرفورث معاون وزیر خارجه مطرح شده بود، بر تلاش‌های عمده دیپلماتیک برای پایان دادن به جنگ داخلی و آغاز یک دولت اتحاد ملی استوار بود، **راه دوم** از سوی ریچارد کلارک و شیپان پیشنهاد شده بود و خواهان آن بود که "طالبان" به عنوان یک گروه حامی تروریسم شناخته شود و به طور مخفیانه به دشمن و رقیب او، یعنی اتحاد شمال کمک شود، **گزینه دیپلماتیک دیگری هم در دسترس بود:** مطرح کردن گروه‌های تبعیدی افغان به عنوان یک آلترناتیف میانه رو برای "طالبان" در اواخر سال ۱۹۹۹ میلادی و اشنگتن مقدمات گفت و گوی رهبران تبعیدی را فراهم کرد که شامل محمد ظاهر پادشاه سابق مستقر در روم و حامد کرزی بود، دو مقام وزارت امور خارجه که از مقاومت "طالبان" به ستوه آمده بودند، پیشنهاد کردند که سعودی ها ۲۵۰ میلیون دالر به "طالبان" در عوض تحویل بن لادن پیشنهاد کنند، چنین پیشنهادی از همان ابتدا با مخالفت مواجه شد، در وزارت امور خارجه، این گزینه نیز مطرح بود که "طالبان" به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی محسوب شوند تا از طرح شناسایی رسمی "طالبان" به عنوان دولت حاکم جلوگیری شود، در این زمینه نخست تشکیل "طالبان" را به شکل گراف تقدیم می‌داریم و بعد می‌پردازیم به دنباله مطالب :

- ملامحمد عمر / رهبر / هوتک / تحصیل در مدرسه علوم دینی قندهار.

- ملا ربانی / رئیس شورای کابل / کاکر / رئیس حکومت.

- ملا محمد حسن / وزیر خارجه بعد از نودو هفت / از قندهار هوتک / تحصیل در مدرسه علوم دینی در کویته

- ملا محمد غوث / وزیر خارجه تا نود و هفت / از خوشاب قندهار، نورزی / در سال ۹۷ در مزار دستگیر شد / یک چشم نا بینا.

- ملا عبدالرزاق / گمرکات / از قندهار، پوپلزی.

- ملا سید غیاث الدین/ وزیر تحصیلات/از فاریاب / فاقد تحصیلات رسمی، تاجر، گوشواره در گوش دارد.

- ملا خیرالله خیر خواه / وزیر داخله /از قندهار- پوپلزی/ فارغ التحصیل، مدرسه حقانیه.

- احسان الله احسان / رئیس بانک دولتی /از قندهار پنجوایی/ والی خوست در سال ۹۷ که در مزار کشته شد.

- مولوی عبدالستار سنایی/ رئیس داد گاه عالی /از قندهار- اسحاق زی/ تحصیلکرده مدرسه علوم دینی قندهار.

- ملا محمد عباس / وزیر صحت عامه / از ارزگان - هوتک/ فارغ التحصیل مدرسه علوم دینی زابل.

- ملا عبیدالله / وزیر دفاع / از قندهار- هوتک/ روابط بین (آی اس آی پاکستان) و "طالبان".

- ملا داد الله ...

- محمد الله آخوند / وزیر مالیه / از قندهار- الکوزی / تحصیلکرده در مدرسه علوم دینی کویته.

- امیر خان متقی / وزیر اطلاعات و کلتور/از لوگر- تحصیل در مدرسه حقانیه و قوماندان نیروهای بغلان.

- عبداللطیف منصور/ وزیر زراعت/ از پکتیا /تحصیلکرده مدرسه حقانیه.

- محمد عیسی / وزیر آب و برق / از قندهار- هوتک.

- الله داد آخوند/ وزیر ارتباطات/ از قندهار- هوتک / علوم دینی در ایالات شمالغربی پاکستان

- نورالدین ترابی/ وزیر عدلیه/ از ارزگان - هوتک / یک چشم.

- حمید الله نمانی / وزیر تحصیلات عالی /از زابل - دفتانی/ فاقد تحصیلات رسمی.

- احمد جان / وزیر معدن / از پکتیا - خُدران/ مذاکره کننده با کمپنی های نفتی.

- جلال الدین حقانی / وزیر امور سرحدات /از پکتیا - خُدران/ جنبش اسلامی را علیه داوود خان رهبری کرد،

- صادق آخوند/ وزیر تجارت قندهار / از قبیله وطایفه هوتک /فاقد تحصیلات، در تسخیر مزار شرکت داشت

- قاری دین محمد/ وزیر پلان /از بدخشان / عضو برجسته در شورا.

- مولوی قلم الدین / رئیس امر بالمعروف /از لوگر/ تحصیلکرده لوگر و حقانیه، منشی مولوی نبی محمدی.

- مولوی جلیل الله / عدلیه /از هرات / تحصیلکرده مدرسه دیوبندی در هند.

- محمد حسن /والی ولایت قندهار /از ارزگان - اچکزی /تحصیل کرده مدرسه دینی در کویته.  
- وکیل احمد/ وزیر خارجه /از قندهار- کاکر/ منشی و دستیار اصلی ملا عمر، سخنگوی "طالبان".  
- شیر محمد ستانکزی/معاون وزیر خارجه/ از لوگر - سانکزی/افسر سابق پولیس، آموزش دیده در هند.  
- عارف الله عارف/ معاون وزیر مالیه /از پکتیا /تحصیل تا صنف شش، و چهارده سال تحصیل در حقانیه.

کلینتون طی فرمانی، رژیم "طالبان" را به عنوان حامی تروریسم شناخت، در اکتبر همان سال، طی یک قطعنامه، سازمان ملل متحد تحریم های اقتصادی و مسافرتی علیه "طالبان" وضع کرد، با وضع تحریم ها به نظر می آمد تلاشها به نتیجه می رسد در نوامبر، کلارک در نامهء به سندی برگر نوشت که به نظر می رسد "طالبان" آماده اقداماتی هستند، ملا محمد عمر در جلسه دولت خود از احتمال عزیمت بن لادن اشاره کرده بود، حدس و گمان ها بر آن بود که مقصد بعدی بن لادن، سومالی است، البته چچن هم مدنظر بود، اما با حملات روسها، این احتمال دوم بسیار کم بود. کلارک گفت: عراق و لیبی هم از گزینه های دیگر بودند اما گمان نمی رفت که بن لادن به دیکتاتورهای سکولار عرب مانند صدام و قذافی اطمینان کند، کلارک همچنین از یمن به عنوان یک گزینه دیگر نام برد، اما هیچ کدام از فشارهای خارجی بر روی ملا محمد عمر تأثیری نداشت چون نسبت به تجارت با جهان خارج بی علاقه بود، او در واقع هیچ ارتباط دیپلماتیکی با غرب نداشت، چون از ملاقات با غیر مسلمانان امتناع می ورزید.

شورای وزیران "طالبان" با اکثریت آراء، رأی به این داد که آنها با بن لادن خواهند ماند و او را تحویل نمی دهند و ایالات متحده به همکاری با روسیه پرداخت؛ کشوری که در حال مبارزه با جدایی "طالبان" چچن بود که از حمایت و پشتیبانی اسامه بن لادن بهره مند بودند، آمریکا توانست سازمان ملل متحد را قانع کند تا قطعنامه ۱۳۳۳ شورای امنیت را صادر کند، طبق این قطعنامه، "طالبان" تحریم تسلیحاتی می شدند، هدف قطعنامه ضربه زدن به "طالبان" در حساس ترین نقطه بود، یعنی صحنه نبرد با اتحاد شمال و ممانعت کردن از تحویل سلاح به آنها، یعنی کاری که پاکستان آن را انجام می داد، البته قطعنامه نه اثری بر ملا محمد عمر گذاشت و نه جریان همکاری نظامی پاکستان را با "طالبان" متوقف کرد مقامات آمریکایی مجدداً برای ترغیب پاکستان به همکاری تلاش کردند، رئیس جمهور کلینتون در جون ۱۹۹۹ میلادی مجدداً با نواز شریف تماس برقرار کرد و با او درباره بحران با هند به گفت و گو پرداخت اما در مهمترین امر از او به شدید ترین وجه خواست تا "طالبان" را به اخراج بن لادن قانع کند، کلینتون پیشنهاد داد که پاکستان از کنترل خود بر تأمین نفت "طالبان" و صادرات افغانستان از طریق بندر کراچی برای وارد آوردن فشار استفاده کند، نواز شریف در مقابل، پیشنهاد داد که نیروهای پاکستانی

راساً به دستگیری بن لادن اقدام کنند، اگر چه کمتر کسی در واشنگتن به انجام این کار اعتقاد داشت، اما رئیس جمهور کلینتون با این ایده موافقت کرد، رئیس جمهور کلینتون در اوایل جولای مجدداً با نواز شریف در واشنگتن ملاقات کرد، در این دیدار، کلینتون از شکست پاکستان در انجام اقدام مؤثر در رابطه با ”طالبان“ و بن لادن شکایت کرد، شریف مجدداً بر برنامه خود تأکید کرد او توانست موافقت کلینتون را برای آموزش نیروهای ویژه پاکستانی برای دستگیری بن لادن کسب کند، در اکتبر ۱۹۹۹ میلادی نواز شریف توسط پرویز مشرف خلع و آن برنامه نیز لغو شد، در ابتدا دولت کلینتون امیدوار بود که کودتای پرویز مشرف ممکن است راه را برای اقدام علیه بن لادن باز کند، اما اینگونه نشد و در پایان سال ۱۹۹۹ میلادی یکسال پس از بمب گذاری سفارتخانه ها، دیپلماسی با پاکستان به مانند تلاش ها با ”طالبان“ به ثمر نرسید به عنوان پاسخی به بمبگذاری سفارتخانه، کلینتون به سیا این اجازه را داد تا از طریق برنامه قبلی خود به دستگیری بن لادن و یارانش بپردازد، کلینتون همچنین اجازه حمله به بن لادن از راههای دیگر را هم داد.

طبق فرمان ویژه ای هم تمامی منابع مالی مرتبط با بن لادن ضبط شد، سیا از دانش خود برای مختل کردن هسته های القاعده استفاده کرد، با همکاری مقامات آلبانی، سیا موفق شد تا عملیات القاعده را در تیرانا، خنثی کند و چند سلول تروریستی را از بین ببرد، پس از بمب گذاری های سفارتخانه، افراد مرتبط با القاعده در جمهوری آذربایجان، ایتالیا و بریتانیا دستگیر شدند. سیا با همکاری اف. بی. آی توانست از حمله به سفارت آمریکا در اوگاندا ممانعت به عمل آورد و مظنونان را دستگیر کند، بتاريخ ۴ نومبر ۱۹۹۸ میلادی قاضی نیویارک جنوبی علیه بن لادن اقامه دعوی کرد، اسامه محمد بن لادن متهم شده بود که با سودان، ایران و حزب الله متحد شده است.

با دخالت نظامی امریکا در افغانستان در اکتبر ۲۰۰۱، بن لادن رهبر القاعده تمام تلاش خود را برای همکاری با ”طالبان“، ملا عمر و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار در افغانستان انجام میداد، همچنین القاعده به همکاری خود با سپاه صحابه، لشکر جنگوی، لشکر طیبیه، جیش محمد، حرکت ال”مجاهدین“ و گروه های دیگر پاکستانی ادامه میدهد، با حضور نیروهای آمریکا و گروه های امنیتی و اطلاعاتی در افغانستان و پاکستان که مرکز القاعده را مورد هدف قرار دادند، القاعده بیش از پیش مرکزیت خود را از دست داد، در حالی که گروه عملیاتی القاعده به نقاط مختلف سفر میکنند و این حملات را با هسته مرکزی در جنوب هماهنگ میسازند، اعضای القاعده به همان اندازه که راغب است حضورش در دنیا را اثبات کند، روی شبکه جهانی همفکران خود در جنوب شرقی آسیا، جنوب آسیا، شاخ آفریقا، خاورمیانه و

قفقاز تکیه دارد تا به وسیله آنها به دشمنان ضربه بزند حملات در کنیا، اندونزی، هندوستان، پاکستان، کویت و یمن به دلیل جبران از دست دادن و نبود فضا و فرصت مناسب در افغانستان انجام میپذیرد.

پس از اینکه نیروهای آمریکا و متحدان آن در هفت اکتبر سال ۲۰۰۱ در امور افغانستان مداخله کردند، عراق به یک پایگاه مناسب برای القاعده تبدیل شد گروه‌های آنها با نامیدی نیاز به یک نمایش جدید دارند تا از نظر روانشناسی و فیزیکی، افرادی را که به فنون جنگی آشنایی دارند، تربیت کنند القاعده جهت ایجاد مشکل برای دشمنانش، به طور مداوم تاکتیک‌های نظامی، متد حمایت مالی و تکنیک شایعه پراکنی جدیدی را در سال گذشته ابداع کرده است، به رغم اینکه غرب صد و پنجاه میلیون دلار، دارایی القاعده را در چهار ماه اول پس از یازده سپتامبر، ضبط کرد، اما القاعده برنامه مالی خود را تغییر داد، برای مقابله با هر تهدیدی، پنتاگون توانایی نظامی و سیا توانایی اطلاعاتی خودشان را افزایش داده‌اند، تاکنون چندین عضو القاعده و "طالبان" دستگیر و کشته شدند، برای اینکه از موفقیت این مبارزه مطمئن شویم، جامعه بین المللی باید، در بازسازی افغانستان بکوشد. ملل غربی باید به جای حرف زدن عمل کنند، باید، با گروه‌های که از نظر سیاسی و اقتصادی مسائل حاشیه ای ایجاد می کنند، و یا به مبارزه پرداخته شود، مبارزه علیه اسلام تندرو نباید با مسلمانان دنیا که یک پنجم نفوس دنیا را تشکیل می دهند، آمیخته شود.

اسامه بن لادن در میان افراط‌گرایان پاکستانی طرفداران زیادی یافت و علیرغم اینکه دستش به خون هزاران نفر آلوده بود، افراط‌گرایان پاکستانی از او طرفداری می کردند در عین حال بارها و بارها دولت های مختلف پاکستان حضور وی را در خاک خود تکذیب کرده و می گفتند بن لادن هنوز در افغانستان بسر می برد. بارها منابع مختلفی از حمایت پنهانی سازمان اطلاعات پاکستان از بن لادن خبر دادند. دوم مه پس از اینکه در شب قبل از آن به وقت آمریکا، باراک اوباما مرگ اسامه بن لادن را اعلام کرد، کلیه روزنامه های جهان تیتز یک خود را به این مسئله اختصاص دادند. حتی روزنامه ساموآبزرور که در جزایر ساموآ در اقیانوس آرام منتشر می شود. کرزی از کشته شدن رهبر شبکه القاعده استقبال کرد و آن را یک پیروزی در جنگ با تروریسم خواند. کرزی همچنین گفت که اسامه بن لادن، عامل کشتار هزاران انسان بی گناه، شامل کودکان، زنان، سالخوردگان و جوانان، نه تنها در افغانستان، که در سراسر جهان بود. رییس جمهور بار دیگر از نیروهای بین المللی مستقر در افغانستان خواست تا عملیات شبانه، بازرسی منازل و عملیات در روستاهای کشور را پایان دهند. او گفت برای نابودی تروریسم، در هر جایی که باشد، آماده همکاری است. بارک اوباما رییس جمهور امریکا اعلام کرد که اسامه بن لادن در یک عملیات گروه کوچکی از کماندوهای امریکایی در پناهگاه خود در خاک پاکستان کشته شد. اوباما همچنین گفته است که جسد اسامه بن لادن هم اکنون در اختیار امریکا قرار دارد.

بنابر گزارشها صدها تن از باشندگان واشنگتن پایتخت امریکا در اطراف کاخ سفید تجمع و به ابراز شادمانی پرداخته اند.

همچنین از تجمع در نزدیکی محلی گزارش شده که برج های دوگانه و مرکز تجارت جهانی در نیویارک در آن قرار داشت و در ماه سپتمبر سال ۲۰۰۱ هدف حملات تروریستی قرار گرفت که شبکه القاعده طراح آن اعلام شد.

یک ماه پس از هدف قرار گرفتن شهرهای نیویارک و واشنگتن در امریکا، ائتلاف بین المللی به رهبری امریکا و با مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد، حملات خود را در افغانستان به هدف سرنگونی رژیم "طالبان" آغاز کردند.

اوباما در سخنان خود پس از کشته شدن بن لادن تأکید کرد که جنگ با القاعده همچنان ادامه می یابد و همزمان با آغاز ریاست جمهوری خود، دستگیری و یا کشتن رهبر این شبکه تروریستی را از اولویت های دولت خود اعلام کرده بود.

رییس جمهور امریکا می گوید که اسامه بن لادن رهبر مسلمان نبود، بلکه او عامل قتل عام مسلمانان بود و جنگ با القاعده، جنگ با مسلمانان نیست. جورج بوش رییس جمهور پیشین امریکا که حملات یازده سپتمبر در زمان ریاست جمهوری او انجام شد، کشته شدن بن لادن را دستاورد مهم برای امریکا و پیروزی برای صلح دوستان جهان و کسانی خواند که وابستگان خود را در حملات نیویارک از دست داده اند. جولیا گیلارد نخست وزیر استرالیا نیز گفته است که ماموریت کشورش در افغانستان ادامه می یابد و کشته شدن بن لادن به معنای پایان جنگ با تروریزم نیست. خانم گیلارد گفته است که جنگ با القاعده همچنان ادامه می یابد و نیروهای کشورش در افغانستان به ماموریت خود در مبارزه با شورشیان ادامه می دهند.

[www.esalat.org](http://www.esalat.org)